

سفارت آمریکا

یا لانه جاسوسی؟!



دروزیهای نخست تسخیر سفارت آمریکا، بسیاری از سیاستمداران و کارشناسان علوم سیاسی آن را پدیده‌ای لحظه‌ای و موقتی به حساب می‌آوردند و تصور می‌کردند که حداکثر چند روز به طول انجامد. اما علی‌رغم این خوش بینی اولیه، اشغال سفارت ۴۴۴ روز به طول انجامید و به بحرانی منطقه ای و بین المللی تبدیل شد. بازتاب های آن واقعه هنوز روابط و مواضع کشورها را در قبال جمهوری اسلامی ایران و آمریکا به شدت تحت تأثیر قرار داده و بعد از سال ۱۳۵۸ تحولات مهمی را در منطقه باعث شده است. پس از نزدیک به چهار دهه که از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام می‌گذرد هنوز در ذهن برخی این سؤال وجود دارد که آیا اشغال سفارت کار درستی بوده و آیا واقعاً سفارت، کار جاسوسی می‌کرده است؟ این سؤال موجب شد که یک بار دیگر از این منظر اسناد به دست آمده از سفارت مطالعه و بررسی شود. سند زیر پاسخ‌های خوبی برای این سؤالات دارد. این سند، متن نامه محرمانه‌ای است که چند ماه پیش از اشغال سفارت به واشنگتن ارسال شده است. در بخش‌هایی از این نامه چنین آمده است:

- کاربرد در مورد تعدادی از سفرهای قبلی ایران که او قبلاً با آن‌ها در تماس بوده و آن‌ها را می‌شناخته است، می‌گوید هیچ کدام از آن‌ها بعد از برگشتن به ایران با ما تماس نگرفته‌اند. یک سفیر بازنشسته خبره به کارمند ما گفته است که خیلی از همکاری‌های تماس با سفارت را کاری خطرناک در جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌کنند.

- تجربیات گذشته در به دست آوردن اطلاعات از مسائل یهودی‌های ایران یکی از بهترین موارد بوده است. ولی وقتی که ما به دنبال پیدا کردن چند منبع اطلاعاتی بودیم تا به ما کمک کنند، آن‌ها همگی از عواقب ناشی از تماس با آمریکا که متوجه آنان خواهد بود، نگران بودند.

- شک نیست زمینه‌ای که در جریان این وقایع شکل می‌گیرد، به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز ما را بسیار مشکل می‌کند. گرچه هنوز شرایط به سطح بعضی از کشورهای جهان سوم که روابط کارکنان سفارت و مردم محلی را شدیداً تحت کنترل دارند، نرسیده است، ولی فشارهای چند هفته اخیر، ایران را به سوی چنان موقعیتی سوق می‌دهد.



متن این سند را با کیفیت بالا دانلود کنید

- از نتایج تیره شدن روابط میان ایران و آمریکا این است که ایرانیان تمایلی به ملاقات با کارمندان سفارت آمریکا ندارند. این مشکل همان‌طور که در تلگراف‌های قبلی گفته شده، رو به افزایش است. ایرانیان دوست ندارند با کارمندان سفارت دیده شوند و با آن‌ها صحبت کنند. این موضوع زحمات ما را در جمع‌آوری اطلاعات نابود کرده است.

- یکی از کارمندان قسمت اقتصادی که چهار سال سابقه تجربه کاری دارد، می‌گوید، خیلی از ایرانیانی که قبلاً با من در اداره‌شان قرار ملاقات می‌گذاشتند و یا تلفنی به تقاضایم پاسخ می‌دادند، دیگر تمایلی چندانی به ارتباط ندارند. حال حداکثر می‌توانم از ایشان تقاضای ملاقات خصوصی و یا مکالمه تلفنی در شب داشته باشم. آن‌ها عموماً از صحبت کردن درباره مسائل که شش یا هشت ماه پیش آزادانه با من در میان می‌گذاشتند، اکراه دارند. اگرچه تعدادی از آن‌ها به واسطه روابط گرم با من خجالت می‌کشند که قرار ملاقات‌های تجارتي و معمولی را رد کنند. بنابراین مدام آن را عقب می‌اندازند.

- یک کارمند فارسی زبان شرکت نفت هم که سه سال دوره کارآموزی گذرانده، عیناً مشکلات فوق را در مورد تماس‌های زیادی که داشته است، گزارش می‌دهد. بعضی‌ها دیگر دسترسی به منابع اطلاعاتی سابق را ندارند و تقریباً تمامی آن‌ها از صحبت کردن با ما اکراه دارند.

- تمامی کارمندان قسمت سیاسی همین پدیده را مشاهده کرده‌اند. در خیلی از موارد منابع اطلاعاتی ما کشور را ترک کرده‌اند. حتی کسانی که مدت چهار سال دوستی نزدیک با کارمندان بخش سیاسی سفارت داشته‌اند، علاقه‌ای به ملاقات با این کارمندان نشان نمی‌دهند.

اسنادی که پس از انتشار بیش از ۷۰ جلد کتاب، هنوز هم بخش قابل ملاحظه‌ای از آن منتشر نشده است. آن روز دانشجویان حرکت اعتراضی خود را در روز یکشنبه برنامه‌ریزی کرده بودند تا سفارت آمریکا خالی از کارکنان باشد؛ اما پس از ورود با مأموران اطلاعاتی‌ای مواجه شدند که پر جنب و جوش‌تر از یک روز کاری در تعطیلات آخر هفته کار می‌کردند. مأمورانی که هراسان از حضور دانشجویان، اسناد امنیتی را یکی پس از دیگری به دستگاه خردکن می‌سپردند. دانشجویان خیلی زود فهمیدند نه با یک سفارتخانه بلکه با دفتر مرکزی سازمان اطلاعاتی آمریکا (CIA) در خاورمیانه مواجه هستند؛ جایی که نام لانه جاسوسی بیشتر برانزده آن است.

همان‌طور که دیدید بر اساس این سند، سفارت به شدت از اینکه منابع اطلاعاتی و خبر چین‌هایش را که در قسمت‌های مختلف مملکت حضور داشتند، از دست داده ناراحت و نگران است. اگر سفارت قصد جاسوسی نداشته این حجم از پریشانی چه لزومی داشته است. اگر یک بار دیگر این سند را به دقت بخوانیم متوجه می‌شویم که علاقه آمریکایی‌ها به جاسوسی فقط به دوران انقلاب و پس از آن مربوط نیست و در واقع سفارت از مدت‌ها قبل لانه جاسوسی بوده است.

۱۳ آبان ۱۳۵۸ وقتی گروهی از دانشجویان پیرو خط امام از دیوار سفارت آمریکا بالا می‌رفتند تا با تسخیر آن، اعتراض خود را به جنایات ایالات متحده در ایران نشان دهند، شاید فکرش را هم نمی‌کردند که با حجم عظیمی از اسناد محرمانه مواجه شوند؛

۲۰ آبان:

هاشمی رفسنجانی: ما حقوقی داریم و تا آن حقوق ما به دست نیاید، گروگان‌ها باید در اینجا بمانند و اگر روشن شود که آن‌ها حقوق ما را نمی‌دهند، گروگان‌های جاسوس باید محاکمه شوند.

اول آذر:

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس: آمریکا کلیه شرایط ایران برای آزادی گروگان‌ها را پذیرفته است.

۱۰ آذر:

بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی: تا شرایط پیشنهادی ایران کاملاً اجرا نشود، گروگان‌ها آزاد نخواهند شد.

۲۴ آذر:

بنی‌صدر، رئیس جمهور: هر نوع اتحاد ایران و آمریکا حکم روابط گرگ و میش را خواهد داشت.

۲۹ آذر:

رجایی، نخست‌وزیر (در ملاقات با سفیر سوئد در تهران): آمریکا می‌تواند قبل از تعطیلات کریسمس با دادن تضمین‌های مربوطه گروگان‌ها را آزاد کند.

۲۹ آذر:

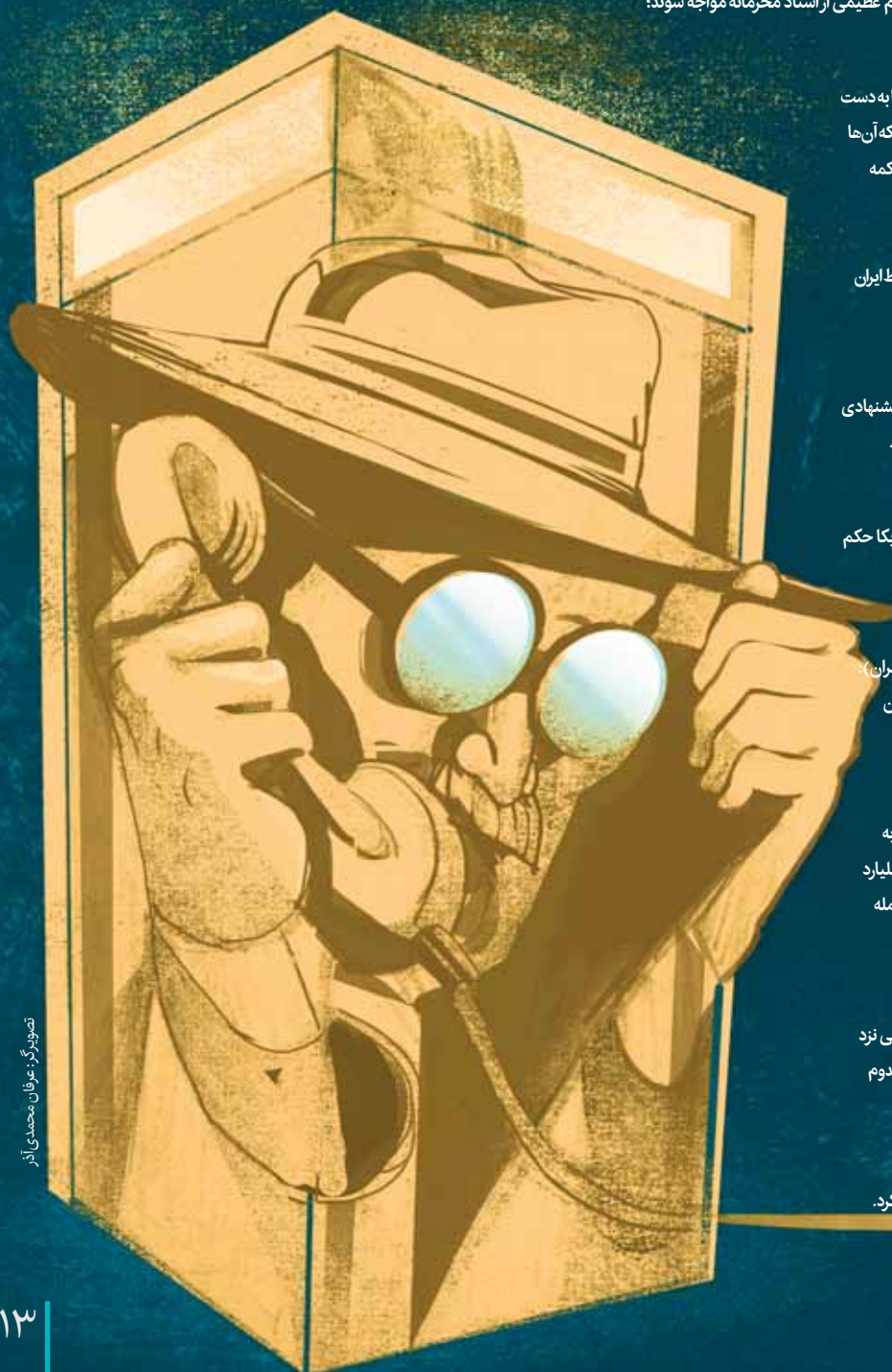
باسخ نهایی ایران در مورد گروگان‌های آمریکایی به دولت آمریکا ابلاغ شد. باز پس دادن بیش از ۹ میلیارد دلار سپرده‌های ایران نزد بانک‌های آمریکایی از جمله درخواست‌های ایران است.

۳۰ آذر:

رجایی، نخست‌وزیر: پیشنهاد کردیم آمریکا تضمینی نزد دولت الجزایر بگذارد که هر میزان از دارایی شاه معدوم معلوم شد، از آن برداریم.

اول دی:

آمریکا تضمین‌های مالی مورد درخواست ایران را رد کرد.



تصویرگر: عرفان محمدی آذر